

هویت ایران و ابعاد نظری و تاریخی آن

● محمد کائیدی نژاد



■ ایران: هویت، ملیت، قومیت
■ حمید احمدی
■ تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم
انسانی، ۱۳۸۶، تعداد صفحات: ۵۵۲

ایران: هویت، ملیت، قومیت مجموعه مقالاتی است که به کوشش دکتر حمید احمدی گردآوری و توسط مؤسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی به چاپ رسیده است. کتاب در دو بخش پژوهش‌های نظری و پژوهش‌های موردی تدوین شده است. بخش نخست شامل یک پیش‌گفتار و هشت مقاله است. بخش دوم که بیشتر به پژوهش‌های موردی می‌پردازد، دارای پنج مقاله است. عمده‌ترین محورهای کتاب به بیان ویژگی‌های ملی ایرانی، هویت نژادی ایرانیان، مباحث ملی‌گرایی، قومیت‌های ایرانی و جنبه‌های مذهبی و رابطه‌ی مذهب با قومیت و ملیت اختصاص یافته است. از دیدگاه مؤلف فروپاشی شوروی از یک سو و شتاب‌گیری فرایند جهانی شدن و جهانی سازی از سوی دیگر، از دلایل عمده‌ی پژوهش‌های مربوط به ملیت و قومیت در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. به‌ویژه آن که تکانش برخی جریان‌های خفته‌ی سیاسی و فکری الحاق‌گرایانه مانند پان ترکیسم و چشم‌انداز جریان‌های کردی در عراق بحث پیرامون هویت ملی، ملیت و قومیت در ایران را شتاب داده است. از دیدگاه نگارنده دگرگونی‌های نوین در حوزه اندیشه و ظهور رهیافت‌های نظری و معرفت‌شناسانه در کانون‌های دانشگاهی، به‌ویژه فرانوگرایی و نگرش‌های فرهنگی درون گفتمان جهانی شدن از مهم‌ترین عوامل رویکرد دوباره به بحث هویت، ناسیونالیسم و ملیت بوده است. مقالات کتاب با هدف بررسی چالش‌های هویت ملی، ملیت و قومیت در ایران با تکیه بر نظریه‌های مدرن و پژوهش‌های واقع‌گرایانه تاریخی و جامعه‌شناسی از میان آثار برجسته‌ترین پژوهشگران این حوزه انتخاب شده‌اند. از لحاظ موضوعی مقالات این مجموعه به دو مقوله عمده می‌پردازند:

۱- بحث هویت ایرانی و ابعاد گوناگون نظری و تاریخی آن؛

۲- بحث مربوط به اقوام ایرانی، هویت و جایگاه تاریخی و نقش آن‌ها در دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی ایران.

نخستین مقاله کتاب با عنوان «هویت، تاریخ و روایت در ایران» اثر دکتر جهانگیر معینی علمداری با هدف پاسخ به چند پرسش نظری درباره‌ی «ملیت» و «هویت ملی» و کاربرد آن در مورد ایران به نگارش درآمده است. نگارنده هویت ملی را به‌عنوان یک امر ساخته شده از طریق تاریخ می‌داند که به‌واسطه‌ی روایت تداوم پیدا می‌کند. بنابراین هویت ملی جنبه‌ای صرفاً طبیعی ندارد بلکه امری مصنوعی است که در گذر زمان به‌وسیله روایتگری ساخته و پرداخته می‌شود و سپس به‌صورت خاطره‌ی جمعی درآمده و بعد از آن تثبیت



می‌شوند^۱. نگارنده ابتدا با تعریفی از ملت، نقش خودآگاهی، تاریخ و روایت را در تکوین هویت ملی بررسی می‌کند. این بررسی در قالب نظریه‌های انتقادی و فرانوگرایی صورت می‌گیرد. نظریه‌ای که رویکرد تکوین ملت را پیشین‌تر از دوران مدرن می‌داند. یعنی ملت دارای ریشه‌های پیشامدرن است و بر همین اساس «ملت‌های جدید حاصل بازسازی هویت‌های سرزمین قدیمی‌تر»^۲ تلقی می‌شوند. «دین و ملیت در ایران: همپزی یا کشمکش» دومین مقاله کتاب است. دکتر حمید احمدی رابطه‌ی میان دین و ملت را از دیرپاترین مباحث اندیشه‌ی سیاسی در خاورمیانه معاصر ارزیابی می‌کند. وی در مقاله‌اش می‌کوشد تا نشان دهد رهیافت ناسازگار معتقد به تقابل میان اسلام و ناسیونالیسم یا اسلامیت و ایرانیت در ایران، از دیرپایی چندانی برخوردار نیست. بر همین اساس وی با برجسته کردن نمونه‌هایی از برخورد‌های دوسویه اسلام و ناسیونالیسم ذیل مفهوم جغرافیایی خاورمیانه کهن در دوره‌ی حاکمیت خلافت اسلامی اموی و عباسی، گستره‌ی بررسی‌اش را به دوران خاورمیانه مدرن پیوند می‌زند. هرچند چنین پیوندی تأمل‌برانگیز است؛ اما نگارنده، سپس به برخورد این جریان در ایران می‌پردازد. «در ایران برخلاف سایر نقاط خاورمیانه دین و ملیت عناصر اصلی حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه ایرانی را تشکیل داده‌اند»^۳. سومین مقاله کتاب «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران» نوشته دکتر حسین بشیریه است. دکتر بشیریه در این مقاله کوشیده است نشان دهد که «هویت‌های خالص مفاهیمی موهومند که اغلب به‌واسطه‌ی ایدئولوژی‌های کلی‌پرداز عصر مدرن عنوان شده‌اند»^۴. به اعتقاد نگارنده «انواع ناسیونالیسم‌ها در عصر مدرن در پی برجسته‌سازی بخشی از هویت چندبخشی و چندپاره‌ی مردم برآمده‌اند و خصلت موزائیک گونه‌ی هویت‌های اجتماعی را انکار کرده‌اند»^۵. از دیدگاه دکتر بشیریه، بهره‌برداری ابزاری از مبانی هویت ملی ایران در جهت قدرت و سلطه‌ی سیاسی موجب ایدئولوژیک کردن مقوله هویت می‌گردد. سیاسی شدن هویت ایرانی موجب آسیب‌های فراوانی بر هویت ملی ایرانی می‌شود. برای نمونه گاهی دو زبان فارسی، نژادآرایی و مذهب زردتشت در نزد برخی روشنفکران تندرو سه پایه‌ی اصلی هویت از دست رفته ملت ایران به شمار می‌آمدند^۶. تحلیل رابطه‌ی ایدئولوژی و هویت در ایران قرن بیستم و چگونگی تشکیل و تقویت اجزایی از هویت چندوجهی مردم ایران به‌وسیله‌ی ساختارهای گفتمانی و ایدئولوژیک دیگر، محورهای موردبررسی در مقاله حاضر هستند^۷. «بحران هویت ملی و قومی در ایران» عنوان چهارمین مقاله این کتاب است که توسط احمد اشرف پژوهشگر مسائل سیاسی ایران تألیف شده است. بررسی سیر تحول و شکل‌گیری هویت ایرانی در چارچوب نظریه‌های پژوهشگران مسائل ناسیونالیسم، عمده‌ترین جهت‌گیری این مقاله است. نگارنده با شمردن عناصر شکل‌دهنده، ملیت و هویت ملی و قومی را مقوله‌ای تاریخی ارزیابی می‌کند. «هویت ملی امر طبیعی و ثابت نیست که پایه‌های مشخص عینی و آفاقی داشته باشد، بلکه پدیداری است انفسی که ریشه در تجربه‌ها و تصورات جمعی مردم دارد»^۸. احمد اشرف ریشه‌ی هویت ملی را در احساس تعلق به طایفه، تیره، قبیله، ایل و قوم جست‌وجو می‌کند. وی ایلیت را نوعی ناسیونالیسم ابتدایی می‌داند. بر همین اساس چند عامل مهم را در پیدایش واحدهای فراقومی برمی‌شمارد که هویت ملی را می‌سازند. این عوامل عبارتند از:

۱- تأسیس نهاد امپراتوری؛ ۲- وجود ادیان جهانی؛ ۳- زبان و ادبیات مشترک میان اقوام^۹. وی سپس در روند تحول هویت ایرانی چند مرحله‌ی اساسی را برمی‌شمارد: ۱- دوره پیش از ساسانیان که عصر اساطیری، پیشدادی و کیانی است؛ ۲- هویت ایرانی در عصر ساسانی؛ ۳- هویت ایرانی در دوره اسلامی؛ ۴- هویت ایرانی در عصر صفوی؛ ۵- دوره بحران هویت و هویت قومی-زبانی.

دیگر مقاله‌ی کتاب با عنوان «نخبگان محلی، جهانی‌سازی و رؤیای فدرالیسم» به چالش میان نخبگان محلی، جهانی‌سازی و فدرالیسم می‌پردازد. دکتر محمدرضا خوهری پاک، پژوهشگر مسائل قومی در این مقاله تلاش کرده است چالش‌های فدرالیسم را که به‌عنوان شکل و نوع حکومت آرمانی ایران معاصر مورد مطالبه جریان‌های سیاسی قوم‌گراست، بررسی کند. به عقیده‌ی این پژوهشگر پارهای از نخبگان شکست‌خورده عرصه سیاست ملی در جهت کسب منافع خود به هواداری سرسختانه از محلی‌گرایی و قوم‌گرایی پرداخته‌اند^{۱۰}. وی با برشمردن نمونه‌هایی از مفاهیم مشترک میان همه اقوام ایرانی معتقد است: «فرهنگ ایرانی به معنای عام آن، مشترک میان همه‌ی اقوام ایرانی است»^{۱۱}. وی با نام بردن از زبان پارسی به‌عنوان نخستین زبان ترجمه‌ی قرآن، از پیشگامی دانشمندان و اندیشمندان ایرانی برای اشاعه‌ی پیام اسلام یاد می‌کند. نگارنده مقاله معتقد است ایرانیان از سده‌های نخستین اسلامی زبان فارسی را به‌عنوان مهم‌ترین ابزار جهت بازسازی هویت ایرانی به کار گرفته‌اند. پیشگامی زبان فارسی به‌عنوان نخستین زبان ترجمه‌ی قرآن و وجود تفاسیر فارسی مانند تفسیر طبری و تفسیر نسفی و یا کشف الاسرار شاهده‌ی بر این مدعاست. «ایران باستان

هویت ملی جنبه‌ای صرفاً طبیعی ندارد بلکه امری مصنوعی است که در گذر زمان به وسیله روایتگری ساخته و پرداخته می‌شود و سپس به صورت خاطره‌ی جمعی درآمده و بعد از آن تثبیت می‌شود

روستاییان با تشدید ناهمگونی‌ها و تضادها و تفاضات فرهنگی در جامعه‌ی شهری همراه بود.^{۱۶} از نمونه‌های پیوند هویت ملی با سیاست از دیدگاه این پژوهشگر پیروزی جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران بود که هویت ملی ایرانی خود را به صورت یک نیروی مقاومت در مقابل مداخله‌ی خارجی نشان داد. با وجود آن که مقالات مذکور از دریچه‌های مختلف و بر اساس برخی نظریه‌های مدرن رایج به بررسی هویت، قومیت و ملیت ایرانی پرداخته‌اند، اما کتاب هنوز هم تعریف جامعی از هویت ایرانی به دست نمی‌دهد. زیرا برخی نگارنده‌ها معتقدند هویت و ملیت ایرانی همانند سایر هویت‌ها و ملیت‌ها امری پیشامدرن است و برخی آن را نتیجه و برآیند دوران پیشامدرن و مدرن معاصر می‌پندارند. خصلت موزائیکی فرهنگ و ملیت ایرانی که با چندگانگی پیوندی ناگسستنی دارد، نیاز به بازتعریفی علمی دارد. به هر روی هر کدام از مقالات گوشه‌ای از این فرهنگ و ملیت و هویت را مورد واکاوی قرار داده‌اند. نیاز به یک جمع‌بندی نهایی در این کتاب به شدت

و هویت ایرانی» عنوان دیگری از مقالات کتاب است که مرتضی ثاقب‌فر محقق و مترجم تاریخ و اساطیر باستانی ایران آن را به رشته تحریر در آورده است. در واقع این بخش از کتاب ویژگی مقاله ندارد؛ بلکه گفتگویی است تخصصی پیرامون هویت ایرانی. ثاقب‌فر در این گفتگو به پرسش‌های بنیادینی پیرامون هویت ایرانی پاسخ می‌دهد. وی سه عنصر اصلی و بنیادی در شکل‌گیری فرهنگ و هویت ملی ایران را فرهنگ ملی باستانی ایران، فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی و معاصر می‌داند.^{۱۷} دکتر ابوالفضل دلاوری کوشیده است در چارچوب مقاله‌ی خود با عنوان «شهر، هویت و سیاست در ایران معاصر» چالش‌های عمده‌ی شهرنشینی در دو سده‌ی اخیر را در پیوند با موضوع هویت ایرانی بررسی نماید. این پژوهشگر تاریخ سیاسی معاصر ایران درصدد است تا بحران هویت در جامعه معاصر ایران را با نگاهی به پدیده شهرنشینی و مهاجرت گروه‌های مختلف بررسی نماید. از نظر دلاوری «رشد سریع شهرها آن هم عمدتاً در اثر مهاجرت



اصفهان، حمام شاهزاده‌ها

نویسنده به چالش‌های عمده‌ی شهرنشینی در دو سده‌ی اخیر در پیوند با موضوع هویت ایرانی نظر داشته است. وی بحران هویت در جامعه معاصر ایران را با نگاهی به پدیده شهرنشینی و مهاجرت گروه‌های مختلف بررسی کرده است

هویت ایرانی

است. نفت‌خیز بودن خوزستان، منابع فراوان گازی و وجود رودخانه‌های بزرگ در کنار زمین‌های حاصلخیز، خوزستان را از لحاظ منابع زیرزمینی و زیرساخت‌های توسعه‌ی نسبت به سایر مناطق ایران در موقعیت ویژه‌ای قرار داده است. شاید تهاجم ارتش عراق در سال ۱۳۵۹ ش/۱۹۸۰ م و ادعای واهی بعضی‌ها مبنی بر عربی بودن منطقه گویای اهمیت ویژه‌ی خوزستان باشد. نگارنده مقاله با نگاهی به سیر تاریخی وقایع جدایی‌طلبانه مبتنی بر حساسیت‌های قومی کوشیده است چالش‌های قوم‌گرایانه در خوزستان را بررسی نماید. با این وجود عدم توجه نبوی به جمعیت زیاد قوم لر در این استان را باید در نظر داشت. شاید وجود قوم اصیل ایرانی چون لر در این استان و زندگی مسالمت‌آمیز اقوام لر و عرب در کنار هم، به خودی خود بهترین راه برای حساسیت‌زدایی قومیتی در خوزستان باشد.

پی‌نوشت:

- ۱ احمدی، حمید، ایران: هویت، ملیت، قومیت، موسسه تحقیقات و توسعه‌ی علوم انسانی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶، صص ۹-۱۰.
- ۲ همان، ص ۱۱.
- ۳ همان، صص ۱۱-۱۲.
- ۴ همان، صص ۲۶-۲۵.
- ۵ همان، ص ۲۹.
- ۶ همان، ص ۹۶.
- ۷ همان، ص ۱۱۵.
- ۸ همان
- ۹ همان، ص ۱۱۳.
- ۱۰ همان، ص ۱۱۸.
- ۱۱ همان، ص ۱۳۴.
- ۱۲ همان، صص ۱۴۰-۱۳۹.
- ۱۳ همان، ص ۱۷۲.
- ۱۴ همان، ص ۱۷۴.
- ۱۵ همان، ص ۲۵۲.
- ۱۶ همان، ص ۲۸۱.
- ۱۷ همان، ص ۳۴۶.

احساس می‌شود. تا رشته‌ی پیوندی میان مقالات برای خواننده حفظ و نمایان گردد. کاوه بیات پژوهشگر و مترجم مسائل تاریخ معاصر ایران با مقاله‌ای تحت عنوان «آشنایی با پان ترکیسم و تأثیر ماجرای روشنی بیگ بر آن» به موضوع پان ترکیسم و تأثیر اجتماعی آن بر جمعیت ترک‌زبان کشور می‌پردازد. موضوع پژوهش بیشتر ناظر بر مسائل هویتی و قومیتی در سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی و جنگ جهانی اول است. شروع مسأله پان ترکیسم از محافل ملی ترک آغاز و با ادعای آن‌ها مبنی بر ترک بودن ایران شمالی وارد مراحل بحث برانگیز شد. به اعتقاد بیات «با انتشار مقاله‌ی روشنی بیگ، بحث پان ترکیسم که تا پیش از این در میان ایرانیان بیشتر به صورتی ضمنی و تلویحی بازتاب داشت، جنبه‌ای صریح و آشکار یافت»^{۱۷}. در این مقاله تلاش نگارنده صرف بررسی نقش روشنی بیگ در برنامه‌های سیاسی پان ترکیسم و تفکر الحاق‌گرایانه‌ی ایدئولوژی پان ترکیسم گشته است. در همین زمینه و با رویکردی دیگر رجب ایزدی در مقاله‌ی خود تحت عنوان «نگاهی به یک دهه چالش بر سر هویت آذربایجان» به بررسی دگرگونی‌های آذربایجان در قرن بیستم و رابطه‌ی آن با ایدئولوژی پان ترکیسم دسیسه‌چینی‌های روسیه و حرکت‌های نخبگان این ناحیه پرداخته است. مسأله‌ی آذربایجان و تشکیل دو حکومت در اوایل سده بیستم همواره از چالش برانگیزترین مسائل قومیتی ایران بوده است. به هر روی آذربایجان‌گرایی در کنار جریان پان ترکیسم زمینه‌ی کاری پژوهشی مهمی به‌دست می‌دهد که نیازمند توجه جدی است. ناهید کوه شکاف و احسان هوشمند در مقاله‌ی خود «روند توسعه در مناطق کردنشین ایران قبل و پس از انقلاب» به مهم‌ترین مسأله‌ی قومیتی و هویتی در ایران پرداخته‌اند. مسأله‌ی کردها در میان اقوام ایرانی به لحاظ گستردگی و پراکندگی جغرافیایی حوزه‌ی نفوذ جمعیتی کردها در منطقه خاورمیانه مهم‌ترین مسأله قومیتی به‌شمار می‌رود. نگارندگان مقاله با توجه به آشنایی نزدیک با مسائل کردستان و مسائل توسعه درصد بررسی تأثیر روند تدریجی توسعه در هویت و قومیت کردها برآمده‌اند. این مقاله رویکردی تقی‌باً یکسان به مناطق کردنشین ایران دارد. درحالی که به نظر می‌رسد چالش‌های قومیتی کردها در استان‌های مختلف کشور با هم متفاوت است. اصولاً حساسیت‌های قومیتی کرد در استان‌های کردنشین مانند ایلام و بخش‌هایی از کرمانشاه با استان کردستان و آذربایجان غربی قابل مقایسه نیست. آخرین مقاله کتاب «خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه» نوشته سیدعبدالمیر نبوی